



بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار سیاست خارجی ترامپ علیه ایران: درس‌هایی برای ایران



حسن عابدینی کشکوئی* - دکتر حسین مسعودنیا** - دکتر مهناز گودرزی***

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی تهاجمی ترامپ در قبال ایران می‌پردازد. در پی پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ و اتخاذ مواضع تهاجمی علیه ایران، روابط شکننده ایران و آمریکا که پس از توافق برجام در دولت اوباما به دست آمده بود، با تردید جدی از سوی وی مواجه شد. خروج ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ این روابط شکننده را به تیرگی کشاند تا جایی که دو کشور را تا آستانه یک جنگ تمام عیار سوق داد. هدف ترامپ از خروج از برجام و اتخاذ مواضع خصمانه علیه ایران در قالب فشار حداکثری، رسیدن به توافقی مبتنی بر منافع آمریکا بود. ترامپ این توافق را در راستای شعار اول آمریکا و بازگشت عظمت به آمریکا پیگیری می‌کرد. برای ترامپ، نه ایدئولوژی مهم بود نه توافقات بین‌المللی و نه حتی افکار عمومی جامعه جهانی. سؤال اصلی مقاله این است که علت اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی ترامپ در قبال ایران متأثر از چه مؤلفه‌هایی بوده است؟ مؤلفه‌های سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران، علت رفتارهای تهاجمی و خصمانه وی علیه ایران را ترسیم می‌کنند. یافته‌های این مقاله با استفاده از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی میرشایمر و بررسی شخصیت ترامپ با روش توصیفی - تحلیلی به دست آمده است. هدف این مقاله تحلیل نقش مؤلفه‌های تأثیرگذار داخلی و خارجی در اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی آمریکا علیه ایران در دوره ترامپ می‌باشد.

کلیدواژگان

ایران، آمریکا، ترامپ، سیاست خارجی، واقع‌گرایی تهاجمی، جان میرشایمر

مقدمه

سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ با چرخش معناداری در نظام بین‌الملل و ایران نسبت به

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. / نویسنده مسئول /

ایمیل: h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

*** دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

دوره اوباما مواجه شد که با شعار بازگشت عظمت به آمریکا و کناره‌گیری از نقش‌های بین‌المللی همراه بود. ترامپ در راستای تحقق شعارهای خود سعی کرد با یک سبک تاجرمانانه به مسائل بین‌المللی نگاه کند. به دلیل سهم بسیار ناچیز آمریکا از توافق نامه برجام، از این توافق خارج شد. ترامپ برای رسیدن به خواسته‌ها و اهداف خود در منطقه غرب آسیا با بحران‌سازی و امنیتی کردن مناسبات با ایران رویکردی تهاجمی در قبال تهران را اتخاذ کرد. این مقاله با استفاده از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی «جان میرشایمر» به تبیین علت سیاست خارجی تهاجمی آمریکا در قبال ایران می‌پردازد. علت اتخاذ این سیاست از طرف آمریکا علیه ایران از چند جنبه قابل بررسی و تجزیه و تحلیل می‌باشد. از یک سو، علاوه بر شخصیت اقتدارگرای ترامپ به تدریج ضد ایرانی‌ترین کابینه ایالات متحده آمریکا بر سر کار آمد. و از سوی دیگر، عناصر خارجی تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا نظیر کشورهای اصلی نظام بین‌الملل مانند اتحادیه اروپا، چین و روسیه و کشورهای فرعی اما درگیر در مسئله ایران نظیر عربستان و رژیم اسرائیل در اتخاذ رویکرد تهاجمی از سوی ترامپ علیه ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. سؤال اصلی مقاله این است دلایل اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران چیست؟

فرضیه اصلی مقاله عبارت است از اینکه مؤلفه‌های سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران، علت رفتارهای تهاجمی و خصمانه وی علیه ایران را ترسیم می‌کنند. شخصیت اقتدارگرا و تاجرمانانه ترامپ، کابینه جنگ طلب و ایران‌ستیز و همچنین رفتار و نقش ایران در منطقه غرب آسیا پازل سیاست خارجی تهاجمی ترامپ را علیه ایران تکمیل کرد. به لحاظ روشی، پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مرور کتابخانه‌ای است.

بدین ترتیب، این نوشتار با هدف توضیح و تبیین دلایل و عوامل مؤثر بر سیاست خارجی تهاجمی ترامپ در قبال ایران تدوین شده است. بنابراین از طریق تلفیق دیدگاه‌های نظری و تحلیل واقع‌بینانه، سعی شده است تا درک بهتری از تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی ترامپ نسبت به ایران ارائه گردد و این تحلیل باعث شناخت عمیق‌تری از منازعات و مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و آمریکا خواهد شد.

۱- پیشینه موضوع

اعجازی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر رسانه‌های اصلی ایالات متحده بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۲۰-۲۰۰۷)» به ارزیابی رسانه‌های آمریکایی و اغراق آمیز بودن و سخن‌پراکنی این رسانه‌ها علیه ایران از قبیل برنامه هسته‌ای پرداخته‌اند (اعجازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳)؛ (Ejazi, et al., 2020: 23).

عالیشاهی و فروزان در مقاله‌ای با عنوان «چرخش پارادایمی دونالد ترامپ در قبال انقلاب اسلامی ایران و جبهه مقاومت شیعیان منطقه؛ گذر از تهدیدات نرم تا توسل به ترور» در سال ۱۳۹۹،

¹ John Mearsheimer

به بررسی دلیل اصلی چرخش رویکرد سیاست خارجی ترامپ به تهدید نظامی علیه ایران در منطقه غرب آسیا پرداخته‌اند. نویسندگان معتقدند که تلاش ترامپ برای موفقیت در انتخاب مجدد و ضعف و ناکارآمدی ائتلاف عبری - عربی از عوامل مهم این چرخش بوده است (عالیشاهی و فروزان، ۱۳۹۹: ۱۶۵)؛ (Alishahi and Forouzan, 2020: 165).

انتصار^۱ و افراسیابی در کتاب «ترامپ و ایران؛ از مهار تا تقابل که در سال ۲۰۱۹ به تألیف رسیده بود به این مسأله می‌پردازند که ترامپ به طور یک جانبه، ایالات متحده را از توافقنامه هسته‌ای خارج و تحریم‌هایی را که در نتیجه آن توافق تعلیق شده بود را دوباره بر ضد ایران اعمال کرد. از منظر نویسندگان کتاب، اعلام سیاست تغییر رژیم، با پیشگامی یک کابینه جنگ طلب با سابقه طولانی مقابله با ایران، بارزترین ویژگی سیاست آمریکا علیه ایران در دوره ریاست جمهوری ترامپ بود (Entessar and Afrasiabi, 2019).

نورانی و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «فردگرایی در سیاست خارجی آمریکا در دوره دونالد ترامپ: نتایج و پیامدها»، بر اساس داده‌های استخراج شده از حساب توئیتر ترامپ و با بهره‌گیری از ساختار گفتمانی تئو وان لیوون^۲ از مدل مشروعیت‌بخشی، به چگونگی تلاش ترامپ برای مشروعیت‌زدایی از برجام می‌پردازند آنها اذعان کرده‌اند از آنجایی که برجام توسط قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد تأیید شده بود و جامعه بین‌المللی نیز از آن حمایت می‌کرد، ترامپ مجبور بود تصمیم بحث‌برانگیز خارج شدن از برجام را توجیه کند (Nourani, et al., 2020: 332).

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

نظریه‌های روابط بین‌الملل جهت تبیین نظام آنارشیک بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین رفتارهای سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ در روابط بین‌الملل و به طور خاص رفتار ایالات متحده در قبال ایران از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی جان میرشایمر بهره برده است.

۲-۱- بررسی رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی

نظام بین‌الملل، نظامی آنارشیک است. قدرت‌های بزرگی مانند آمریکا دارای میزانی از تمایلات و توانمندی‌های تهاجمی هستند. این دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در خصوص اهداف سایر دولت‌ها مطمئن باشند و بی‌اعتمادی از مشخصه‌های اصلی روابط بین آنها و دولت‌های دیگر است. آنها بازیگرانی عقلانی یا محاسبه‌گرانی استراتژیک هستند. میرشایمر نظریه پرداز واقع‌گرایی تهاجمی همانند مورگنتا نظریه پرداز کلاسیک رئالیسم، بیشتر کردن قدرت را اولویت اصلی دولت‌ها در سیاست خارجی می‌داند. ترامپ با اتخاذ رویکرد تهاجمی علیه ایران در دوره ریاست جمهوری سعی کرد همانند یک واقع‌گرا با بی‌اعتمادی به توافق برجام و فعالیت‌ها و رفتارهای منطقه‌ای ایران بنگرد.

¹ Entessar

² Theo Van Leeuwen

³ United Nations Security Council

ریشه‌های اصلی نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، نظریه‌های واقع‌گرایی کلاسیک^۱ و نواقع‌گرایی هستند. واقع‌گرایی تهاجمی که به نوعی زائیده‌ای واقع‌گرایی نئوکلاسیک^۲ است، عناصر و مفروضه‌هایی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی را در هم می‌آمیزد؛ این نظریه متغیرهای سیستمی و سطح واحد را ترکیب می‌کند، تا سیاست خارجی کشورهای را تحلیل نماید. واقع‌گرایی تهاجمی همچون نواقع‌گرایی، تأثیر و اهمیت آنارشی^۳ بر رفتار کشورها را می‌پذیرد و با این مفروض که نظام بین‌الملل آنارشیک، گزینه‌ها و انتخاب‌های سیاست خارجی آنها را محدود و مقید می‌سازد (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۲۳)؛ (Fathi, 2020: 823).

جان میرشایمر اعتقاد دارد که دولت‌ها باید سیاست‌های امنیتی را دنبال کنند که دشمنان بالقوه آنان را تضعیف می‌کند و توان خود را نسبت به سایر دولت‌ها افزایش می‌دهد. از نظر وی، اگر دولتی تصمیم به بقاء دارد، باید دارای قدرت تهاجمی خوبی باشد؛ زیرا از بعد رئالیست‌های تهاجمی، ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل، دائماً در حال تشدید شدن است، پس لازم است که کشورها مدام در حال افزایش توانمندی خود باشند تا به حدی از قدرت برسند که هیچ دولت دیگری نتواند فکر حمله به آنها نماید. واقع‌گرایان تهاجمی به طور کل با مسأله خلع سلاح ابرقدرت-ها و قدرت‌های بزرگ که به نظام بین‌الملل نظم می‌بخشند، مخالفند؛ زیرا این امر باعث کاهش قدرت آنها در مقایسه با قدرت‌های ضعیف‌تر می‌گردد و ممکن است سبب تشویق دولت‌های توسعه‌طلب برای برهم زدن نظم موجود محیط بین‌الملل گردد. واقع‌گرایان تهاجمی به تنش‌زدایی نیز معتقد نیستند و از منظر آنان تنش‌زدایی‌هایی که در تاریخ روابط بین‌الملل وجود دارد، صرفاً به منزله ایجاد فرصت و فضای تنفسی برای دولت‌ها است که به آنها اجازه می‌دهد تا به موقعیت مطلوب و بهتری برسند (عالیشاهی و فروزان، ۱۳۹۹: ۱۶۵)؛ (Alishahi and Forouzan, 2020: 165).

واقع‌گرایان تهاجمی نبرد را امری حتمی می‌دانند که عاقبت آن ایجاد هرج و مرج است. واقع‌گرایان در نظریه امنیت حتی کاهش وقوع جنگ را نادرست می‌دانند. از دید آنها، ساختار آنارشیک، کشورها را مجبور می‌کند که برای صیانت از منافع حیاتی خود به دنبال افزایش قدرت باشند. ارزش‌های دیگر در مرحله بعدی قرار می‌گیرند (حیدری و میرغیائی، ۱۳۹۹: ۴۷)؛ (Heidari and Mirghiasi, 2020: 47).

کاربرد نظریه در آزمون فرضیه چنین است که رویکرد سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران برگرفته از رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی و قدرت‌هژمون ایالات متحده در قبال ایران بود. واقع‌گرایی تهاجمی، بیشینه‌سازی قدرت همراه با کاهش قدرت رقبا است.

¹. Classical Realism

². Neoclassical Realism

³. Anarchy

⁴. Anarchic Structure

گاهی ممکن است یک حمله‌ای صورت پذیرد، به این دلیل که قدرت خود را افزایش دهد تا قدرت دیگران را کاهش دهد. رئالیست‌های تهاجمی، هدف دولت را افزایش بیشتر و بیشتر قدرت می‌دانند تا دولت، موقعیتی هژمونیک در نظام بین‌الملل پیدا کند. ایالات متحده آمریکا با افزایش نیروهای سنتکام در خلیج فارس سعی در ارتقای قدرت نسبی خود در غرب آسیا و مقابله با رفتارهای ایران داشت (محمدزاده ابراهیمی و ملکی، ۱۳۹۵: ۱۱۵)؛ (Mohammadzadeh Ebrahimi and Maleki, 2016: 115).

۲-۲- انگیزه‌های تهاجمی آمریکا

آمریکا برای تثبیت توازن مورد نظر خود در برابر کشورهای تهدیدکننده از جمله ایران، از راهبردهای متنوعی استفاده می‌کند. میرشایمر برای رفتار تهاجمی آمریکا، شاخص‌هایی را ارائه می‌کند که عبارتند از: عدم اطمینان دولت‌ها از نیت و انگیزه‌های دیگر دولت‌ها (ادعای ایران مبتنی بر صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای از دید ترامپ یک فریب بزرگ بود)؛ قابلیت تهاجمی کشورهای رقیب (برنامه ایران برای رسیدن به توانایی موشکی و پهپادی، یک تهدید بزرگ برای آمریکا و متحدان منطقه‌ای بود)؛ هرج و مرج طلبی نظام بین‌الملل؛ تضمین بقا و سیطره؛ تفکر راهبردی برای تضمین تداوم سیطره به علت رقابت شدید امنیتی (حیدری و میرغیائی، ۱۳۹۹: ۴۷)؛ (Heidari and Mirghiasi, 2020: 47). یک دولت یا با حذف رقبای خود یا با استفاده از استراتژی‌هایی که آنها را تحت سلطه یا تابع خود قرار می‌دهد، به یک هژمون تبدیل می‌شود. پارادوکس هژمونی این است که هژمون‌ها همواره معتقدند که برتری آنها شکننده است (Layne, 2000: 59). بدیهی است نظریه واقع‌گرایی تهاجمی می‌تواند به ما کمک نماید تا درک عمیق‌تری از تجزیه و تحلیل سیاست خارجی تهاجمی ترامپ دست پیدا کرد.

۳- جستاری تاریخی از سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران

سال ۱۹۷۹ یک لحظه مهم در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران بود. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب ایران بر سیاست نه شرقی و نه غربی استوار بود (Fawcett and Payne, 2023: 1). در واقع ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری افراد مختلف در قبال ایران متفاوت عمل کرده است. بنابراین، نگاه رؤسای جمهور آمریکا همواره با فراز و نشیب‌هایی در قبال ایران همراه بوده است (Carchiyeva, 2023: 75). بنابراین اقداماتی از جمله تهدید، حمله نظامی، تحریم‌های اقتصادی، تنش‌زدایی و همکاری‌های غیررسمی علیه ایران به طور مداوم به کار می‌رفت. بعد از افشای برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲، از نظر آمریکا و هم‌پیمانان غربی، جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران به عنوان یک تهدید بزرگ امنیت منطقه‌ای و جهانی تلقی شد. ایران به مرحله‌ای رسیده بود که فراتر از آن می‌توانست به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شود. دولت اوباما در ایجاد ائتلاف بین‌المللی تحریم و فشار سعی کرد وارد مذاکراتی در راستای کاهش سرعت هسته‌ای شدن با ایران شود (Fiedler, 2022: 283). لذا ترس آمریکا و غرب، رسیدن ایران به توانایی تولید بمب

^۱. The Paradox of Hegemony

اتم بود و برای جلوگیری از این مهم، به تعبیر اوباما «تمام گزینه‌ها روی میز بود» از حمله نظامی و تحریم‌های شدید تا سازش و توافق. اوباما تلاش کرد تا روایت‌های موجود در مورد ایران را به عنوان بازیگری متخاصم و غیرقابل اعتماد جایجا کند که نتیجه آن توافق برجام شد (Rees, 2023: 15). با خروج آمریکا از برجام در دوره ترامپ و اعمال تحریم‌های مجدد در قالب فشار حداکثری و ترور سردار قاسم سلیمانی شرایط بیش از هر زمان دیگری به جنگ نزدیک شد (Fawcett and Payne, 2023: 1).

۴- مؤلفه‌های تأثیرگذار سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران

در این بخش به مؤلفه‌های داخلی شامل نقش و شخصیت ترامپ، وزارت خارجه، وزارت دفاع، شورای امنیت ملی، کنگره، اندیشکده‌ها و رسانه‌ها و خارجی و مؤلفه‌های خارجی شامل نفوذ اسرائیل و لابی‌گری صهیونیسم، نقش عربستان سعودی، اتحادیه اروپا، چین و روسیه، همچنین رفتارهای منطقه‌ای ایران و سیاست خارجی ترامپ علیه ایران پرداخته شده است.

۴-۱- مؤلفه‌های داخلی تأثیرگذار سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران

از عوامل تأثیرگذار بر اتخاذ سیاست تهاجمی آمریکا علیه ایران در دوره ترامپ می‌توان به نقش و شخصیت ترامپ، وزارت خارجه، وزارت دفاع، شورای امنیت ملی، کنگره، اندیشکده‌ها و رسانه‌های آمریکایی اشاره نمود.

۴-۱-۱- شخصیت ترامپ

خروج آمریکا از برجام که ایده شخص ترامپ بود را نمی‌توان از منافع ملی آمریکا و جاه‌طلبی‌های ترامپ جدا کرد؛ زیرا منافع جامعه جهانی در سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ اولویت اول نبود (Djuyandi, et al., 2021: 504). بنابراین ترامپ سعی کرد با استفاده از ابزارهای کنترل قدرت اقتصادی آمریکا و ایران هراسی و چینی عناصر و مقامات همسو و همفکر خود نظیر بولتون، پمپئو و ... در وزارت خارجه، وزارت دفاع و سازمان سیا حلقه تصمیم‌گیری علیه ایران را کامل کند. ترامپ، معتقد بود سیاست خارجی باید بر منافع ملی استوار باشد نه ایدئولوژی و معتقد بود هیچ چیزی ارزش قربانی کردن منافع ملی را ندارد (جلالی بارنجی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۴۵؛ Jalali Barenji, et al., 2023: 245).

ترامپ از تصویر ساخته شده از دشمن برای اهداف سیاسی خود استفاده می‌کرد. تصویر تهدید قریب‌الوقوع، امکان مشروعیت بخشیدن به اقدام نظامی را فراهم می‌کرد. حمله برای دفاع از نیروها و منافع ایالات متحده در سراسر جهان و جلوگیری از حملات آینده ایران تصویری بود که ترامپ

¹. Ministry of Foreign Affairs

². Department of Defense

³. National Security Council

از ایران ساخته بود و ترور ژنرال ایرانی قاسم سلیمانی در همین راستا انجام شد (Kobylska, 2022: 43). یک دیپلمات ارشد فرانسوی آن را اینگونه توصیف کرده است: «حقیقت این است که مشکل دولت ترامپ با توافق برجام نیست؛ با جمهوری اسلامی ایران است. ما در سال ۲۰۱۸ هستیم، اما ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ گیر کرده است» (Belal, 2019: 23).

ترامپ بارها و بارها استدلال می‌کرد که برخلاف رؤسای جمهور سنتی، وی به طور منحصر به فرد صلاحیت شناسایی فرصت‌ها و نقاط ضعف حریف در مذاکره با رقبای آمریکا را دارد. در این باره، مایکل پوکالیکو می‌نویسد که «به طور خلاصه، از شخصیت رئیس جمهور ترامپ باید انتظار داشت که وضع موجود را به عمد و بلکه با اشتیاق برهم می‌زند، و از همه شرایط و نیروهای برهم زننده جهت اهداف خود استفاده می‌کند خواه آنها را کاتالیزور کرده باشد یا نکرده باشد» (Steff, 2020: 394). ترامپ از شبکه‌های اجتماعی هم بیشترین استفاده را می‌کرد. توئیتر راه مهم و جدید ترامپ برای به چالش کشیدن دولت‌ها، شرکت‌ها و افراد با ارسال پیام‌های تند بود، ایران یکی از کشورهایی بود که ترامپ از طریق توئیتر آن را مورد حمله و هدف قرار می‌داد (Orhan, 2023: 350). ترامپ سیاست مهار ایران را در قالب تهدید و تحریم دنبال می‌کرد که با تأکید بر امنیتی کردن مناسبات منطقه غرب آسیا در عین جلوگیری از گسترش فعالیت‌های منطقه‌ای ایران منافع آمریکا را تأمین کند.

۴-۱-۲- وزارت امور خارجه

در دوره ترامپ، وزارت خارجه آمریکا در اقدامات و سیاست‌های مختلفی علیه ایران حضور داشت. در یک نگاه کلی، در حالی که تیلرسون به انعطاف‌پذیری و توسل به دیپلماسی اعتقاد داشت، پومپو و ترامپ تهاجمی بودند. ترامپ و دولتش در واکنش به اعتراضات ضد دولتی در ایران در سال ۲۰۱۸ از معترضان حمایت کردند و وزارت خارجه آمریکا نیز پیامی به تظاهرکنندگان فرستاد که «فراموش نخواهند شد». علاوه بر این، خروج آمریکا از برجام و اعمال سیاست فشار حداکثری علیه ایران پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای ایران داشت. این اقدامات و سیاست‌ها نشان‌دهنده نقش مهم وزارت خارجه آمریکا در شکل دادن به روابط خصمانه آمریکا علیه ایران در دوره ترامپ است (Galbraith, 2019: 845).

۴-۱-۳- وزارت دفاع

در دوره ترامپ، وزارت دفاع آمریکا بر تهدیدات احتمالی کشورهای مختلف از جمله ایران تمرکز داشت. استراتژی دفاع ملی ۲۰۱۸، آمادگی‌ها برای درگیری سریع و در مقیاس بزرگ بین کشورها را اولویت بندی کرد و دشمنان بالقوه‌ای مانند چین، روسیه، ایران و کره شمالی را شناسایی کرد. این استراتژی بر بازدارندگی چنین درگیری‌هایی به عنوان مهمترین وظیفه وزارت دفاع تأکید می‌کرد. وزارت دفاع آمریکا در واکنش به تهدیدات شفاهی ایران از جمله تهدید به بستن تنگه هرمز به صراحت اعلام کرد که هرگونه محاصره این تنگه با قدرت نظامی مواجه خواهد شد. در

^۱. Tillerson

مجموع، وزارت دفاع فعالانه درگیر رسیدگی به تهدیدات احتمالی ناشی از ایران و سایر کشورها در دوره ترامپ بود (Mueller, 2018: 76).

۴-۱-۴- شورای امنیت ملی

شورای امنیت ملی آمریکا مسئولیت سیاست خارجی را بر عهده دارد. معاون رئیس جمهور، مشاور امنیت ملی و وزیر انرژی، اعضای حقوقی این شورا هستند. ژنرال مایکل فلین^۱ اولین مشاور امنیت ملی دولت ترامپ بود. پس از فلین، ژنرال هربرت مک‌مستر^۲ جایگزین او شد. جان بولتون^۳ به عنوان سومین مشاور امنیت ملی ترامپ، در طیف حامیان اقدام نظامی علیه ایران و کره شمالی قرار می‌گیرد. او بارها خواستار جنگ با ایران یا تغییر حکومت ایران شد. او به داشتن مواضع افراطی علیه جمهوری اسلامی مشهور است. آخرین مشاور امنیت ملی آمریکا، رابرت اوبرایان^۴ بود که از منتقدان سرسخت برجام بود.

در دوره ترامپ، شورای امنیت ملی آمریکا در نظارت بر وضعیت آمریکایی‌هایی که در ایران بازداشت شده بودند و در مذاکرات برای آزادی آنها مشارکت داشت. شورای امنیت ملی همچنین بر تعامل ایران در درگیری‌هایی مانند جنگ اسرائیل و حماس نظارت می‌کرد و از همه کشورها خواست به برنامه موشکی ایران رسیدگی کنند و برای مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده موشک‌های بالستیک ایران گام بردارند. شورای امنیت ملی نقشی کلیدی در شکل‌دهی سیاست آمریکا در قبال ایران، صدور مجوز تحریم‌های گسترده و تلاش برای تأثیرگذاری بر تلاش‌های دیپلماتیک در دوره ترامپ ایفا کرد (Jakštaite, 2019: 35).

۴-۱-۵- وزارت خزانه‌داری^۵

در دوره ترامپ، به عنوان اصلی‌ترین و تهاجمی‌ترین بازوی سیاست خارجی آمریکا در مقابله با ایران ایفای نقش کرد (نوری و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۷۹)؛ (Noori and Hosseini, 2019: 179). تحریم‌ها باعث کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی ایران شد. افزایش شدید قیمت‌ها یکی از پیامدهای داخلی تحریم‌ها بود. تحریم‌های ملی، محدودیت دسترسی به ذخایر ارزی و کاهش درآمدهای ارزی ایران، منجر به جهش نرخ ارز در ایران شد. رشد سالانه نرخ برابری دلار آمریکا/ریال ایران در برخی فصل‌ها از ۱۰۰ درصد فراتر رفت. این جهش در نرخ ارز باعث افزایش قابل توجهی در قیمت کالاهای مبادله‌ای و کالاهای مصرفی شد. تحریم‌های سنگین در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ باعث افزایش تورم بی‌ثباتی بازار و نهایتاً نارضایتی مردم از وضعیت اقتصادی شد. آمریکا به یکی از اهداف اصلی خود یعنی آشفتگی بازار ایران و نارضایتی مردم

¹. Michael Flynn

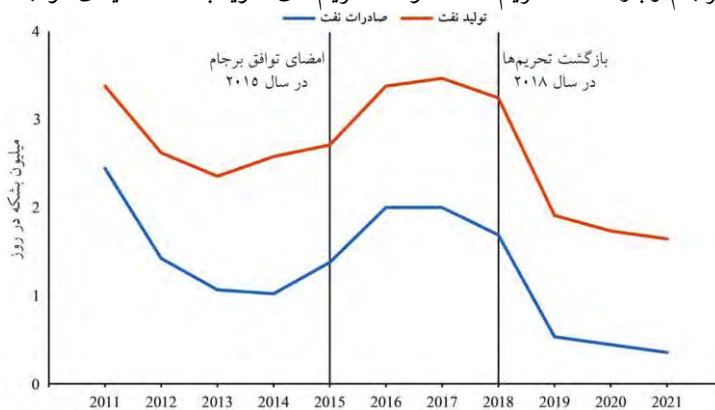
². Herbert McMaster

³. John Bolton

⁴. Robert O'Brien

⁵. Ministry of Treasury

دست پیدا کرده بود (Ebrahimi, 2022: 1219). نمودار ۱ می‌دهد تولید نفت ایران از زمان خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها مخصوصاً تحریم‌های ثانویه با افت شدیدی مواجه شده بود.

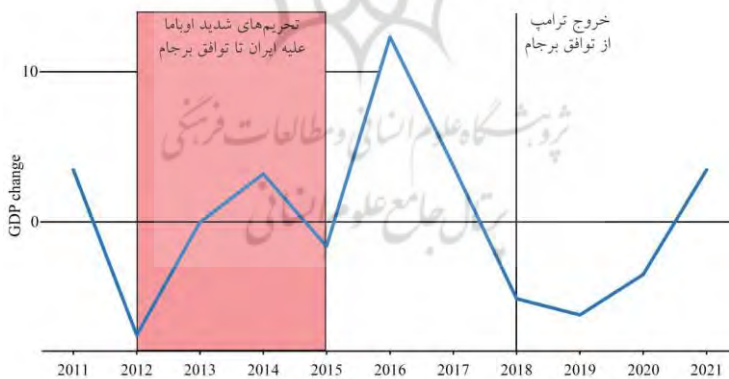


نمودار ۱- تأثیر تحریم‌ها بر تولید و صادرات نفت ایران

Chart 1- The effect of sanctions on Iran's oil production and export

Source: (Bazoobandi, et al., 2023: 1)

نمودار ۲ نشان می‌دهد اوپاما تحریم‌ها علیه ایران را تا رسیدن به توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ تشدید کرد و این باعث افزایش تولید ناخالص ملی شد. پس از لغو تحریم‌ها این شاخص بهبود پیدا کرد ولی پس از خروج ترامپ از توافق برجام، تولید ناخالص ملی افزایش بیشتری یافت.



نمودار ۲- تأثیر تحریم‌ها بر تغییرات تولید ناخالص ملی

Chart 2- The effect of sanctions on the changes in gross domestic product

(Bazoobandi, et al., 2023: 1)

۴-۱-۶- کنگره

مصوبات کنگره، برترین ابزار در دست ترامپ برای اعمال تحریم‌ها و ایجاد محدودیت‌های مالی علیه ایران بود. می‌توان گفت که کنگره مهم‌ترین نهاد رسمی تأثیرگذار بر سیاست خارجی

آمریکا است. بر همین اساس کنگره نقش ویژه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دارد. لذا در دوره ریاست جمهوری ترامپ شاهد فعالیت گسترده لابی‌های عبری و عربی به ویژه لابی قدرتمند صهیونیستی «ایپک» و اعمال نفوذ آن در میان اعضای کنگره بودیم، لویح ضد ایرانی در دوره ریاست جمهوری ترامپ بیشتر از طریق این لابی در دستور کار نمایندگان کنگره قرار می‌گرفت، می‌توان به قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌های که در کنگره یکصد و پانزدهم و یکصد و شانزدهم به ۲۳ لایحه و ۳۹ قطع‌نامه علیه ایران اشاره کرد (جهانبخش، ۱۳۹۹: ۲۸۵)؛ (Jahanbakhsh, 2020: 285). در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، شاهد ضد ایرانی‌ترین کنگره آمریکا در قبال ایران بودیم.

۴-۱-۷- اندیشکده‌ها

اندیشکده‌هایی چون بروکینگز، شورای روابط خارجی، رند، مؤسسه واشنگتن، جنسا،^۲ هریتیج^۳ و هادسون،^۴ آمریکن اینترپرایز،^۵ بنیاد دفاع از دموکراسی^۶ در حوزه خاورمیانه و مسأله سیاست‌های منطقه‌ای ایران صاحب آثار و مطالب متعددی هستند. آنان ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل علل گسترش حضور منطقه‌ای ایران و تشریح هزینه‌ها و فرصت‌های این روند برای آمریکا و رژیم اسرائیل، پیشنهادات متعددی را برای مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران را ارائه می‌دادند

نام اندیشکده	گرایش حزبی و فکری	راهبرد پیشنهادی
رند	مستقل	کنترل ایران در منطقه از طریق کاهش توان دفاعی و موشکی
شورای آتلانتیک ^۷	فراحزبی	خنثی‌سازی نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران با فشارهای اقتصادی
مؤسسه بروکینگز	دوحزبی	تحریم اقتصادی برای مهار توان هسته‌ای و تغییر سیاست منطقه‌ای ایران
مؤسسه هوور ^۸	جمهوری‌خواه و نومحافظه‌کار	ایجاد تغییر در ایران با حمایت از مخالفان و افزایش تحریم‌ها
بنیاد هریتیج	جمهوری‌خواه و نومحافظه‌کار	حمله نظامی پیش‌دستانه و تغییر رژیم در ایران از درون
آمریکن اینترپرایز	جمهوری‌خواه و	تغییر رژیم با حمله نظامی و محدودسازی

^۱. Zionist and Arab Lobbies

^۲. Jinsa

^۳. Heritage

^۴. Hudson

^۵. American Enterprise

^۶. Democracy Defense Foundation

^۷. Atlantic Council

^۸. Hoover Institution

برنامه موشکی ایران	نومحافظه کار	
تغییر رژیم؛ با اعمال تحریم‌های شدید و زیر سؤال بردن مشروعیت نظام سیاسی ایران	فراحزبی	بنیاد دفاع دموکراسی
ارائه مشوق به تهران برای تغییر رفتار و محدودسازی قدرت راهبردی ایران	مستقل	بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی
تغییر مسالمت‌آمیز ایران با رویکرد بسیج مردم علیه نظام و تحریک مخالفان	دوحزبی	شورای روابط خارجی
گفتگو، تحریم، حمله	دوحزبی	مرکز سیاست دوحزبی

جدول ۱- جهت‌گیری اندیشکده‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

Table 1- The approach of US think tanks towards the Islamic Republic of Iran

منبع: (اعجازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳)؛ (Ejazi, et al., 2020: 23)

۴-۱-۸- رسانه‌ها

تأثیر رسانه‌های آمریکا بر دولت‌مردان آمریکا و نخبگان حاکم در جهت ایجاد یک رویکرد منفی و مخدوش علیه ایران، در دوره ریاست جمهوری ترامپ بسیار زیاد بود، با آغاز به کار دولت ترامپ، رسانه‌های ایالات متحده در جهت حمایت از سیاست ترامپ علیه برجام به طور مداوم بر دستیابی به یک توافق جایگزین و جدید با ایران تأکید می‌کردند. یکی از متغیرهای رهبران سیاسی آمریکا به خوبی دریافته‌اند که رسانه برای جذب و ترغیب مردم برای حمایت از سیاست داخلی و خارجی، اهمیت روزافزونی یافته است. (اعجازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳)؛ (Ejazi, et al., 2020: 23). گرایش ایدئولوژیک رسانه‌های آمریکایی علیه ایران در طول حیات انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرده و فارغ از این که رسانه‌های آمریکایی متعلق به جناح محافظه‌کار (مانند فاکس نیوز) یا جناح لیبرال (مانند سی ان ان) باشند، همواره سعی کرده‌اند تا تصویری مخدوش از نظام سیاسی ایران به مخاطبان آمریکایی و غیرآمریکایی ارائه دهند.

۴-۲- مؤلفه‌های خارجی تأثیرگذار سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران

در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امنیت کشورها به هم وابسته است و کشورها برای تأمین امنیت ناگزیر از تعامل و همکاری می‌باشند (آذرشب و مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۳۷)؛ (Azarshab and Momeni, 2017: 137). منطقه غرب آسیا در طول تاریخ از یک نظم نهادینه شده برخوردار نبوده. این منطقه متأثر از دخالت قدرت‌های بزرگ دچار تحولات بنیادین شده. منطقه غرب آسیا نسبت به سایر مناطق موجود در نظام بین‌الملل در معرض سیاست قدرت‌های بزرگ بوده است. این تجربه سیاسی، بنیان بسیاری از رفتارها و کنش‌های موجود در این منطقه شده است و از شکل‌گیری یک نظم منطقه‌ای با ثبات جلوگیری کرده است (عباسی و حمیدفر، ۱۳۹۹: ۷)؛ (Abbasi and Hamidfar, 2020). بنابراین به نقش بازیگران اصلی نظام بین‌الملل مانند اتحادیه اروپا، چین و روسیه و بازیگران تأثیرگذار دیگری مانند رژیم اسرائیل و عربستان سعودی در اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران موزد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱- اتحایه اروپا

اتحادیه اروپا که خود را بانی و معمار توافق‌نامه برجام می‌دانست در ابتدا از عملکرد دوعضو اصلی برجام راضی بود زیرا مهم‌ترین هدف اروپا یعنی محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران محقق شده بود، کشورهای اتحادیه اروپا از برجام تا آنجا که به موضوع اولویت‌دار در ارتباط با ایران بود، رضایت داشتند. نگرانی اصلی آنها مربوط به دیدگاه ایالات متحده بود: (Matera and Matera, 2019: 29) سیاست خارجی ترامپ علیه ایران متأثر از کشورهای اصلی نظام بین‌الملل بود؛ زیرا کشورهای عضو اتحادیه اروپا که با تلاش‌های گسترده خود به توافق با ایران دست یافته بودند، سعی داشتند مواضع ترامپ علیه ایران را تعدیل کنند تا از منافع حاصل از برجام بیشترین استفاده را ببرند. برداشت اروپائیان از آمریکا این بود که دیدگاه آمریکایی‌ها نسبت به ایران تغییری نکرده است. در این بین، دیپلمات‌های آلمانی، فرانسوی و بریتانیایی پس از خروج آمریکا از برجام تلاش کردند در همفکری با وزارت امور خارجه ایالات متحده و در مشارکت با دیگر اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل، راه حلی برای رفع برخی از نگرانی‌ها بدون ناراحتی ایران پیدا کنند؛ زیرا اقدام ترامپ در خروج از برجام از یک طرف منافع اقتصادی اتحادیه اروپا را از بین می‌برد و از طرفی عدم اجرای یک توافق‌نامه سیاسی بین‌المللی که اتحادیه اروپا بانی آن بود باعث خدشه دار شدن اعتبار اتحادیه اروپا می‌شد (Helwig, 2020: 439).

این واقعیت که ایالات متحده هیچ یک از تعهدات خود را به طور اساسی انجام نداده بود، باعث نارضایتی همه طرف‌ها شده بود. ترامپ در مقایسه با رؤسای جمهور قبلی ایالات متحده، همکاری کمتری با کشورهای اروپایی داشت که این کاهش به ویژه در موضوعات مربوط به ایران بسیار مشهود بود (Mosler, 2020: 481). از آنجا که دیپلماسی در نهایت در دفاع از منافع خلاصه می‌شود، اقدامات اروپا در مورد موضوع هسته‌ای ایران را می‌توان به سه دسته مجزا اما مرتبط به هم تقسیم کرد: هنجاری، امنیتی^۱ و استراتژیک^۲ که در هر سه مورد اروپا منافع خود و شرکت‌های اروپایی را در برابر تهدیدات ترامپ مصون نگه داشت و منافع برجامی ایران با تهدید جدی مواجه شد به طوری که کم‌کم سهم ایران از این منافع فقط در حد شعار باقی ماند (Alcaro, 2021: 55). با اینکه توافقات بسیاری با شرکتهای اروپایی، آمریکایی و حتی چینی و روسی منعقد شده بود با کارشکنی آمریکا به نتیجه قابل قبولی دست پیدا نکردند.

۴-۲-۲- چین و روسیه

سیاست خارجی چین و روسیه در قبال ایران از یک مدل خاص که جان گارور آن را «بازی دوگانه» می‌نامد، پیروی می‌کردند (بصیری و آئینه‌وند، ۱۳۹۵: ۲۵)؛ (Basiri and Ainehvand,

¹. Normative

². Security

³. Strategic

⁴. Jan Garver

(25: ۲۰۱۶). ایران پس از خروج ترامپ از توافق برجام برای جلوگیری از بن‌بست اقتصادی و تضمین بقای خود به طور فزاینده‌ای به چین و روسیه تکیه کرد. این رویکرد نشان دهنده گسست ریشه‌ای با تفکر راهبردی پیشین ایران بر پایه اصل «نه شرقی، نه غربی» بود. اگرچه پیگیری یک سیاست خارجی مستقل همچنان به عنوان شاخص اصلی هویت انقلابی ایران اهمیت داشت. راهبرد «نگاه به شرق» فرصتی مناسب برای قدرت‌های نوپدیدار شده بود. این راهبرد ایران در راستای اهداف راهبردی روسیه و چین عمل می‌کرد. این دو کشور برخلاف ایران تلاش کرده‌اند میان منافع ژئواکونومیک خود با دنیای غرب از یک سو و ایران از سوی دیگر توازن برقرار سازند؛ برای نمونه اولویت اصلی روسیه در همکاری با ایران، ثبات منطقه‌ای در فضای اتحاد جماهیر شوروی و نیز در سوریه بود. چین نیز بر روابط اقتصادی خود با ایالات متحده و ادغام ایران در طرح بزرگ یک کمربند و یک جاده تمرکز کرده بود. دو کشور همواره از همکاری با ایران به عنوان ابزاری برای چانه زنی در روابط دوجانبه خود با آمریکا در دوره ترامپ بهره می‌برده‌اند (Roomi, 2023).

(135) روسیه و چین با توجه به وضعیت نظام بین‌الملل سعی داشتند با مخالفت با سیاست تهاجمی ترامپ در قبال ایران از پرونده هسته‌ای ایران بیشترین امتیاز را به دست آورند، این دو کشور برای ارتقای سطح تأثیرگذاری در نظام بین‌الملل سعی در استفاده از سیاست‌های چندوجهی در تعامل با ایران و آمریکا بودند. چین و روسیه با داشتن روابط تجاری، نظامی و سیاسی گسترده با ایران سعی بر استفاده حداکثری از منافع برجام داشتند که این منافع زمانی قابل تحقق بود که آمریکا به برجام پایبند باشد.

۴-۲-۳- اسرائیل

با آغاز دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ که یک متحد واقعی در کاخ سفید پیدا کرده بود، از طریق داماد ترامپ، تلاش‌های پنهانی و آشکار خود را برای تضعیف برنامه هسته‌ای ایران تشدید کرد و در عین حال به دنبال متقاعد کردن قدرت‌های اروپایی و کشورهای حاشیه خلیج فارس برای تجدید نظر در توافق بود. این تلاش‌ها در ۸ مه ۲۰۱۸ زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ایالات متحده را از برجام خارج کرد و برخی از تحریم‌هایی را که توسط دولت او با ما برداشته شده بود، دوباره اعمال کرد، به ثمر نشست. حملات سایبری در دولت ترامپ علیه ایران به شدت افزایش یافت. عملیات سایبری مهم و مخربی که علیه تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم ایران انجام شد با هماهنگی و همکاری اسرائیل اجرا شد (Devanny, 2022: 282). همچنین اسرائیل از طریق لابی‌ها و گروه‌های مختلف یهودی فعال در ایالات متحده سعی کرد اعضای کنگره آمریکا، رسانه‌ها و نخبگان حاکم آمریکا را به اتخاذ مواضع خصمانه و تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران ترغیب کند. مهم‌ترین آنها عبارت است از: «کمیسیون امور عمومی آمریکا - اسرائیل (AIPAC)» (حضرتی رازلیقی و ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۴۲)؛ (Hazrati Razlighi and Sadati Nejad, 2020: 142). اسرائیل در راستای مؤلفه‌های خارجی تأثیرگذار بر سیاست خارجی ترامپ در قبال ایران، نقش میدان‌داری و محوری را داشت.

۴-۲-۴- عربستان

عربستان سعودی به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت، عضو مؤسس سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب^۱ و سازمان کشورهای نفتی^۲ است. عربستان سعودی در دسته بازیگران ضعیف و راضی در سیستم بین‌الملل و بازیگری قوی در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا می‌باشد. نقش ویژه عربستان در غرب آسیا موجب تمایز آن از سایر کشورهای منطقه شده است (فرجی، ۱۳۹۹: ۵۱۹)؛ (Faraji, 2020: 519). بعد از روی کار آمدن ترامپ شاهد تغییر سیاست خارجی آمریکا در منطقه بودیم، این تغییر سیاست تأثیر بسیاری بر ادامه روابط خصمانه‌ای عربستان علیه ایران گذاشت. ترامپ برای ایران یک تهدید و برای عربستان سعودی یک فرصت بود (Ahmadian, 2018: 133). مقامات سعودی در راستای مقابله با برنامه هسته‌ای و نقش منطقه‌ای ایران همواره از سیاست‌های غرب و به خصوص آمریکا تبعیت می‌کردند و با همراهی رژیم اسرائیل در امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران نقش داشتند. روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا فرصتی را در اختیار سعودی‌ها قرار داد تا بار دیگر از طریق دیپلماسی نفت و دلار، آمریکا را در راستای هدف مقابله با ایران وارد مبادلات منطقه‌ای کنند. آمریکا و عربستان پس از گذار از ذهنیت اختلاف‌زا در دوران اوباما، به نوعی تفاهم علیه ایران در دوره ترامپ رسیدند (کبیری و زنگنه، ۱۳۹۸: ۱۰۷)؛ (Kabiri and Zanganah, 2019: 107) بر همین اساس موجی از سیاست‌های ضد ایرانی در جریان اجلاس ریاض در سال ۲۰۱۷ به وجود آمد. ترامپ شراکت آمریکا با محور سعودی - اماراتی را احیا کرد. ترامپ مایل بود تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده علیه ایران را اعمال کند و حضور فیزیکی نیروها در منطقه را دو برابر کند و روندی را آغاز کرد که این شراکت آمریکا را به خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ سوق داد (Bianco, 2020: 92). گرین بالت در کتاب در مسیر ابراهیم: چگونه دونالد ترامپ در خاورمیانه صلح ایجاد کرد، وی به عنوان کسی که در توافق عادی سازی یکی از نقش‌های اصلی را در عادی‌سازی روابط میان اعراب و رژیم اسرائیل، داشته است، در اثر خود، روند رسیدن به این توافق را شرح داده و یکی از دلایل اصلی رسیدن به آن را عامل تهدید جمهوری اسلامی و نفوذ آن در منطقه می‌داند (واعظ و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۸۷)؛ (Vaez, et al., 2023: 287). بنابراین جمهوری اسلامی ایران بدون اینکه بخواهد، زمینه توافق و تنش‌زدایی بین اعراب و اسرائیل را فراهم کرد؛ زیرا اسرائیل و کشورهای عربی با توجه به تبلیغات و اقدامات ایران در منطقه غرب آسیا به درک واحدی از یک دشمن مشترک به نام ایران رسیده بودند.

۳-۴- تأثیر رفتارهای منطقه‌ای ایران بر سیاست خارجی تهاجمی ترامپ

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار در منطقه پر آشوب غرب آسیا، تلاش‌های فراوانی در زمینه خودکفایی توانایی‌های نظامی خود انجام داده است. در این بین،

^۱. Arab Union

^۲. Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)

توسعه و گسترش فناوری‌های ساخت انواع موشک‌های دوربرد با دقت‌های مختلف، از نکات بسیار مهم در ساختار نظامی ایران در چهار دهه اخیر بوده است (یاری، ۱۳۹۸: ۳۸)؛ (Yari, 2019: 38). ایران به چند دلیل اساسی به دنبال گسترش توان بازدارندگی از طریق توانمندی موشکی است: ایران برای استقلال سیاسی و دفاع از مرزهای خود به دکترین دفاعی تأکید دارد؛ کشورهای منطقه از سوی ابرقدرت‌ها به سلاح‌های غیرمتعارف مجهز شده‌اند؛ آمریکا در منطقه حضور گسترده‌ای دارد و آشکارا با ایران به دشمنی می‌پردازد؛ دو دشمن اصلی ایران یعنی آمریکا و رژیم اسرائیل در عرصه نیروی هوایی و موشکی برتری نظامی دارند؛ ایران تجربه‌ای از دفاع هشت ساله خود در برابر رژیم عراق آموخته و به اهمیت توان موشکی پی برده است؛ موشک‌ها به دلیل به صرفه بودن از نظر اقتصادی، زمان کوتاه دسترسی و استفاده بهینه از آنها و همچنین قدرت مانور بالا در بازدارندگی، اهمیت بالایی دارند (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۵۱)؛ (Arghavani Pirsalami and Pirankho, 2017: 51). ایران با توجه به شرایط نظام بین‌الملل، توان نظامی خود را ارتقا داد. آمریکا برای مهار ایران، به جریان آزاد نفت و کشتیرانی در تنگه هرمز به کشورهای حاشیه خلیج فارس به مثابه کانون راهبرد خود نگاه می‌کرد. ترامپ معتقد بود ایران تهدیدی بر علیه تنگه هرمز است و با استفاده از ابزارها و تاکتیک‌ها و تسلیحات دوربرد، امنیت تنگه هرمز و کشورهای حوزه خلیج فارس را مخدوش می‌کند (Katzman, 2021: 1).

نقش‌های منطقه‌ای	توصیف نقش‌ها
رهبری منطقه‌ای	ایران با توجه به قدرت منطقه‌ای خود به عنوان بازیگری انقلابی عمل کرده و سعی در ایجاد اتحادهای منطقه‌ای با دوستان خود به منظور تغییر وضع موجود بدون حضور آمریکا در منطقه دارد.
حفاظت از اسلام و مذهب	ایران با توجه به ویژگی اسلامی بودن نظام خود، کاملاً مخالف فرقه‌ای بودن است و جنگ‌های فرقه‌ای را نمی‌پذیرد و سعی در ارائه طرح‌هایی برای اتحاد کشورهای اسلامی منطقه دارد.
انقلابی بودن	ایران با توجه به ویژگی‌های انقلابی بودن نظام خود، حامی مستضعفان جهان است و طرح‌هایی برای حمایت از مستضعفان منطقه دارد.
حلقه ارتباطی	ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود، نقش حلقه پیوندی بین بخش‌های مختلف منطقه را ایفا می‌کند.
ضدامپریالیسم بودن	ایران با توجه به ویژگی ضدامپریالیستی بودن نظام خود از مداخلات آمریکا در کشورهای منطقه ممانعت می‌کند.
تهدید به بستن تنگه هرمز	حضور ایران به عنوان کشور بالادستی در تنگه هرمز و دارای ساحل طولانی در این تنگه، موقعیت ویژه‌ای به وجود آورده که می‌تواند از آن به عنوان اهرم فشار یا خنثی‌سازی فشارهای خارجی استفاده کند.

جدول ۲- نقش منطقه‌ای ایران

Table 2- Iran Regional Role

منبع: (فرجی، ۱۳۹۹: ۵۱۹)؛ (Faraji, 2020: 519)

جمهوری اسلامی متأثر از فضای متحول منطقه‌ای با عنایت به تحول قدرت، نرم و سخت به سمت وضعیت قدرت هوشمند تبدیل کرده است. در راستای تحقق قدرت هوشمند ایران برای اولین بار توانست نفوذ خود را از دل بحران سوریه و در دوران کنونی گسترش داده و به مدیریتانه برساند؛ ایران توانسته است خود را به مرزهای اسرائیل برساند؛ منابع قدرت ایران در چارچوب قدرت هوشمند، از فضای تحولات نوین جهانی شدن و توسعه ارتباطات جهان بهره‌برداری نموده و در چارچوب قدرت سایبری برای تأثیرگذاری بر اذهان شهروندان کشورهای دیگر، تغییر نگاه آنها نسبت به جمهوری اسلامی نیز استفاده کرده است. توسعه ظرفیت‌های محور مقاومت که در یمن با توسعه نفوذ هوشمند ایران به داخل این کشور، زمینه را برای مواجهه با تهدیدهای عربستان، در مرزهای خود این کشور فراهم آورده است (علی‌اکبرپور و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۲)؛ (Aliakbarpoor, et al., 2020: 212). رفتارها و نفوذ منطقه‌ای ایران باعث تضعیف قدرت مانور سعودی - آمریکایی علیه ایران شد. نفوذ منطقه‌ای ایران از طریق شاخه نظامی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در سرتاسر منطقه غرب آسیا تا مرزهای رژیم اسرائیل مدیریت و برنامه ریزی می‌شد. لذا خروج آمریکا از برجام مانع از دستیابی ایران به منافع مالی، نظامی و سیاسی برجام می‌شد تا ایران از این فرصت به دست آمده نتواند در راستای تقویت بنیه نظامی، اقتصادی و سیاسی خود استفاده کند.

۴-۴- سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران: درس‌هایی برای ایران

سیاست خارجی ترامپ در قبال ایران نسبت به سایر رؤسای جمهور آمریکا را می‌توان یک استثناء دانست؛ زیرا ترامپ آمریکا را از یک توافقی که پس از سال‌ها تنش بین ایران و آمریکا شکل گرفته بود، خارج کرد و یک توافق برد - برد که منافع همه طرف‌ها را تا حدودی تأمین کرده بود را تا آستانه یک جنگ تمام عیار پیش برد. بنابراین بسیاری ترامپ را به عنوان یک پدیده سیاسی منحصر به فرد و ناشی از رشد ذهنیت ضد استقرار در جامعه آمریکا می‌دانستند (Jingsi, 2020: 253). ترامپ با توجه به تأثیر منفی واردات در اقتصاد آمریکا با بالابردن تعرفه فولاد و واردات کالاها از کشورهای دیگر به نقش تعیین‌کننده سیاست خارجی و تأثیر آن بر اقتصاد آمریکا تأکید می‌کرد. وی نشان داد که پوپولیسم محدود به سیاست داخلی نیست و ترامپ از آن در راستای رسیدن به اهداف سیاست خارجی استفاده کرد (Wojczewski, 2020: 292). بنابراین ترامپ با استفاده از پوپولیسم، مواضع تهاجمی علیه ایران اتخاذ کرد، وی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و یوتیوب به بزرگ‌نمایی و خطرناک و خطرناک بودن سیاست‌های مخرب ایران علیه آمریکا و

¹. Smart Power

². Cyber Power

³. Axis of Resistance

متحدانش پرداخت تا با آماده کردن یک ذهنیت منفی، فضا و موقعیت مناسبی در منزوی کردن و تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در قالب فشار حداکثری دست یابد. تحول سیاست‌های دولت ترامپ نشان‌دهنده مرحله جدیدی در سیستم لیبرال آمریکا بود. ترامپ معتقد بود معامله‌ای فاجعه بار، ضعیف و غیرقابل دفاع با ایران انجام داده شده است (Ertem, 2019: 1) و این معامله هیچ دستاورد اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی برای منافع آمریکا نداشته؛ لذا ترامپ بر استفاده از ابزار تحریم اقتصادی و تهدید نظامی بر مهار ایران تأکید می‌کرد. در واقع چارچوب اصلی سیاست وی مهار و نهایتاً تغییر رژیم بود (Alcaro, 2018: 1).

بر همین اساس، ترامپ با توجه به منافع ملی آمریکا با یک رویکرد تلفیقی نظامی، سیاسی و اقتصادی برای دستیابی به اهداف خود علیه ایران متوسل شد (Lahdili, 2018). ترامپ معتقد به استفاده از قدرت سخت بود و متقاعد شده بود که نه تنها او باما بلکه تعدادی از رؤسای جمهور پیشین آمریکا نیز به طور کامل اشتباه کرده‌اند و اوست که باید آن را برطرف کند (Othman, 2019). لذا بیشتر سیاست‌های تهاجمی ترامپ متوازن با اصول واقعگرایی تهاجمی در راستای پیشینه‌سازی قدرت علیه ایران بود. این پیشینه‌سازی از طریق تغییر رژیم ایران یا ممانعت از ساخت سلاح هسته‌ای و از بین بردن فعالیت‌های نگران‌کننده ایران مانند توسعه برنامه موشک‌های بالستیک مهیا می‌شد (Kroenig, 2018: 94). با توجه به فعالیت‌های ترامپ در تشکیل اجماع بین‌المللی برای رسیدن به این اهداف و رسیدن دو کشور به مرحله‌ای بی بازگشت، حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، به دونالد ترامپ در مورد اعمال سیاست‌های متخاصم علیه تهران هشدار داد و اظهار داشت: «آمریکا باید بداند که صلح با ایران مادر همه صلح‌ها است و جنگ با ایران مادر همه جنگ‌ها است» (Albarasneh & Khatib, 2019: 369). بنابراین ترامپ اگرچه یک رویکرد تهاجمی علیه ایران اتخاذ کرد ولی با توجه به محدودیت‌های کنگره و ارزیابی مزایا و معایب درگیری با ایران در وزارت امور خارجه و وزارت دفاع سرانجام به همان لفاظی‌ها بسنده کرد و غیر از چند عملیات نظامی محدود و هدفمند، اقدام قابل توجهی علیه ایران انجام نداد و این عدم حمله آمریکا ناشی از توانایی پاسخ ایران به حملات احتمالی آمریکا بود.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران از دو بعد قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است؛ از طرفی مواجهه بودیم با همسویی مؤلفه‌های داخلی و خارجی در دوره ریاست جمهوری ترامپ، که به تدریج ضد ایرانی‌ترین کابینه ایالات متحده آمریکا بر سر کار آمد و لابی‌های عبری - عربی، رسانه‌ها و سایر ارکان سیاست خارجی آمریکا و همچنین عربستان و اسرائیل با یک هدف و یک شعار - تغییر رژیم - علیه ایران موضع‌گیری کردند؛ از طرف دیگر ایران بعد از توافق برجام رفتارهایی را از خود نشان داد که از نظر ترامپ و نخبگان حاکم بر آمریکا مغایر با روح توافق بود. زیرا ایران پس از امضای قرارداد، از سرمایه‌گذاری و حضور شرکت‌های آمریکایی در ایران ممانعت به عمل آورد و همچنان به توسعه فعالیت‌های تسلیحاتی و موشکی ادامه می‌داد و نفوذش در کشورهای

منطقه به ویژه عراق، سوریه و یمن، به طور قابل توجهی افزایش یافت که به زعم ترامپ، باعث به خطر افتادن منافع آمریکا در منطقه می‌شد.

بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی میرشایمر، توسعه فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، باعث تضعیف نفوذ آمریکا در منطقه و کاهش هژمونی آن می‌شد. ترامپ که دارای یک شخصیت اقتدارگرا و یک واقع‌گرا بود با استفاده از ابزارهای سیاست خارجی تهاجمی سعی در حفظ و ارتقاء و افزایش قدرت آمریکا در مقابل افزایش روزافزون قدرت منطقه‌ای ایران در منطقه غرب آسیا بود. ترامپ سعی کرد با بحران‌سازی و امنیتی کردن مناسبات علیه ایران کشورهای منطقه و جامعه جهانی را با ابتکار ساختن تصویر تهدید قریب‌الوقوع از ایران فضا و جو حاکم بین‌المللی را علیه ایران به اقدام نظامی هرچند محدود ترغیب و سوق دهد. سیاست خارجی تهاجمی ترامپ در قبال ایران به دلیل عدم همراهی اروپا با آمریکا و دور زدن تحریم‌ها، افزایش قدرت تهاجمی و نظامی و همچنین همراهی کج دار و مریز چین و روسیه با ایران با عدم پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری رنگ باخت و به توفیق چندانی دست نیافت و با شکست مواجه شد.

منابع فارسی

۱. آذرشب، محمدتقی، و مؤمنی، سیدمحمدجواد. (۱۳۹۶). الزامات امنیت منطقه‌ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه. *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۱(۲)، ۱۳۷-۱۶۱.
۲. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، و پیرانخو، سحر. (۱۳۹۶). تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه راهبرد*، ۲۶(۲)، ۵۱-۷۴.
۳. اعجازی، احسان، قربانی، ارسلان، سیمبر، رضا، و جانسیز، احمد. (۱۳۹۹). تأثیر رسانه‌های اصلی ایالات متحده بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۲۰-۲۰۰۷). *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۶(۴)، ۲۳-۴۵.
۴. بصیری، محمدعلی، و آئینه‌وند، حسن. (۱۳۹۵). مقایسه رویکرد روسیه، چین و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱(۵)، ۲۵-۵۵.
۵. جلالی بارنجی، محمدرضا، یوسفی، بهرام، شهابی، روح‌الله، و عامری گلستانی، حامد. (۱۴۰۲). مقایسه رویکرد سیاست خارجی آمریکا به نظام بین‌الملل در دوران ریاست جمهوری اوباما و ترامپ بر اساس نظریه رئالیسم تهاجمی - تدافعی. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۹(۴)، ۲۴۵-۲۶۵.
۶. جهان‌بخش، مصطفی. (۱۳۹۹). بررسی فعالیت‌های کنگره ۱۱۶ و نقش آن در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۲(۲)، ۲۸۵-۳۰۶.
۷. حضرتی رازلیقی، محمدامین، و ساداتی‌نژاد، سیدمحمد. (۱۳۹۹). آموزه‌های راست مسیحی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا. *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۳(۳۱)، ۱۴۲-۱۵۹.

۸. حیدری، نصرت‌الله، و میرغیاثی، سیدعبدالله. (۱۳۹۹). سیاست خارجی ترامپ و معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۶(۵۱)، ۴۷-۶۳.
۹. عالیشاهی، عبدالرضا، و فروزان، یونس. (۱۳۹۹). چرخش پارادایمی دونالد ترامپ در قبال انقلاب اسلامی ایران و جبهه مقاومت شیعیان منطقه؛ گذر از تهدیدات نرم تا توسل به ترور. *سیاست و روابط بین‌الملل*، ۴(۷)، ۱۶۵-۱۹۰.
۱۰. عباسی، مجید، و حمیدفر، حمیدرضا. (۱۳۹۹). اتحاد عربستان سعودی و اسرائیل با آمریکا و پیامدهای آن بر موازنه قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۳)، ۷-۲۵.
۱۱. علی‌اکبرپور، رضا، کشیشیان سیرکی، گارینه، دهشیری، محمدرضا، و ولی‌زاده، اکبر. (۱۳۹۸). تحول مفهوم قدرت و تأثیر آن بر سیاست منطقه‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران. *سیاست و روابط بین‌الملل*، ۳(۶)، ۲۴۱-۲۱۲.
۱۲. فتحی، فرحناز. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل بایسته‌های رئالیسم تهاجمی با نگاه تطبیقی نظریه نواقعه‌گرایی. *فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار*، ۴(۱۵)، ۸۲۳-۸۵۲.
۱۳. فرجی، محمدرضا. (۱۳۹۹). راهبردهای سیاست خارجی در وضعیت گذار قدرت: ایران و عربستان سعودی. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۲(۳)، ۵۱۹-۵۴۹.
۱۴. کبیری، زهره، و زنگنه، زهرا. (۱۳۹۸). نقش عربستان سعودی در خروج آمریکا از توافق هسته‌ای برجام. *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، ۴(۴۶)، ۱۰۷-۱۳۰.
۱۵. محمدزاده ابراهیمی، فرزاد، و ملکی، محمدرضا. (۱۳۹۵). دکترین سیاست خارجی اوباما و رژیم صهیونیستی. *فصلنامه روابط خارجی*، ۸(۳)، ۱۱۵-۱۴۴.
۱۶. نوری، وحید، و حسینی، سیدحسن. (۱۳۹۸). فردگرایی در سیاست خارجی آمریکا در دوره دونالد ترامپ: نتایج و پیامدها. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۲(۴۷)، ۱۷۹-۲۱۶.
۱۷. واعظ، حامد، خداوردی، حسن، کشیشیان سیرکی، گارینه، و دهشیری، محمدرضا. (۱۴۰۲). عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: تهدیدات علیه محور مقاومت. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۹(۴)، ۲۸۷-۳۱۴.
۱۸. یاری، احسان. (۱۳۹۸). الزامات ژئوپلیتیک و ضرورت‌های راهبردی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل. *فصلنامه علمی آفاق امنیت*، ۱۲(۴۲)، ۶۱-۳۸.

English References

1. Ahmadian, H. (2018). Iran and Saudi Arabia in the age of Trump. *Survival*, 60(2), 133-150. doi: 10.1080/00396338.2018.1448579
2. Albarasneh, A. S., & Khatib, D. K. (2019). The US policy of containing Iran – from Obama to Trump 2009–2018. *Global Affairs*, 5, 369-387. doi: 10.1080/23340460.2019.1701951

3. Alcaro, R. (2018). All Is Not Quiet on the Western Front. Trump's Iran Policy and Europe's Choice on the Nuclear Deal. *Istituto Affari Internazionali*, 1-26.
4. Alcaro, R. (2021). Europe's Defence of the Iran Nuclear Deal: Less than a Success, More than a Failure. *The International Spectator*, 56(1), 55-72. doi: 10.1080/03932729.2021.1876861
5. Bazoobandi, S., Heibach, J., & Richter, T. (2023). Iran's foreign policy making: consensus building or power struggle?, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 1-25. doi: 10.1080/13530194.2023.2189572
6. Belal, K. (2019). Uncertainty over the joint comprehensive plan of action: Iran, the European Union and the United States. *Policy Perspectives*, 16(1), 23-39. doi: 10.13169/polipers.16.1.0023
7. Bianco, C. (2020). The GCC Monarchies: Perceptions of the Iranian Threat amid Shifting Geopolitics. *The International Spectator*, 55(2), 92-107. doi: 10.1080/03932729.2020.1742505
8. Brands, H. (2017). The unexceptional superpower: American grand strategy in the age of Trump. *Survival*, 59(6), 7-40. doi: 10.1080/00396338.2017.1399722
9. Carchiyeva, N. (2023). US-Iran Relations in the XXI Century: Obama Administration's Policy towards Iran. *Uluslararası Türk Dünyası Arastirmaları Dergisi*, 6(3), 75-88.
10. Devanny, J. (2022). 'Madman Theory' or 'Persistent Engagement'? The Coherence of US Cyber Strategy under Trump. *Journal of Applied Security Research*, 17(3), 282-309. doi: 10.1080/19361610.2021.1872359
11. Djujandi, Y., Brahmantika, S. G. S., Tarigan, B. R. (2021). The collapse of global governance: when the US leaves the joint comprehensive plan of action (JCPOA). *Society*, 9(2), 504-521. doi: 10.33019/society.v9i2.304
12. Ebrahimi, S. (2022). Financial constraint and output pricing: the case of international sanctions against Iran. *Journal of Applied Economics*, 25(1), 1219-1238. doi: 10.1080/15140326.2022.2129145
13. Entessar, N., Afrasiabi, K. L. (2019). *Trump and Iran: From Containment to Confrontation*. New York: Lexington Books.
14. Ertem, H. S. (2019). Introduction: American Foreign Policy in an Era of Transition. *Perceptions*, 24(1), 1-6.
15. Fawcett, L., & Payne, A. (2023). Stuck on a hostile path? US policy towards Iran since the revolution. *Contemporary Politics*, 29(1), 1-21. doi: 10.1080/13569775.2022.2029239

16. Fiedler, R. (2022). The policy of maximum pressure on Iran. US policy objectives and effects. *Przegląd Strategiczny*, (15), 283-297. doi: 10.14746/ps.2022.1.17
17. Galbraith, J. (2019). Trump administration's Iran policies raise questions about the executive's authority to use force against Iran. *American Journal of International Law*, 113(4), 845-849. doi: <https://doi.org/10.1017/ajil.2019.63>
18. Helwig, N. (2020). Out of order? The US alliance in Germany's foreign and security policy. *Contemporary Politics*, 26(4), 439-457. doi: 10.1080/13569775.2020.1777039
19. Jakštaite, G. (2019). The Trump Administration's Security Policy and its Significance for the Baltic States. *Lithuanian Annual Strategic Review*, 17, 35-61. doi: 10.2478/lasr-2019-0002
20. Jingsi Ni, A. (2020). Leadership and Power Game in a Multi-Polarizing World: The Competition between the US and China. *Open Journal of Political Science*, 10(2), 253-277. doi: 10.4236/ojps.2020.102017
21. Katzman, K. (2021). Iran's foreign and defense policies. *Congressional Research Service*, 1-55.
22. Kobylska, M. (2022). President Donald J. Trump's enemy image construction in the 2019-2020 Persian Gulf crisis. *Res Rhetorica*, 9(2), 43-61. doi: 10.29107/rr2022.2.3
23. Kroenig, M. (2018). The Return to the Pressure Track: The Trump Administration and the Iran Nuclear Deal. *Diplomacy & Statecraft*, 29(1), 94-104. doi: 10.1080/09592296.2017.1420529
24. Lahdili, N. (2018). Trump Factor: A Militarization of the US Foreign Policy. PhD Student, School of Social Sciences, AYBU, Turkey. doi: 10.13140/RG.2.2.12722.15042
25. Matera, P., Matera, R. (2019). Why does cooperation work or fail? The case of EU-US sanction policy against Iran. *Croatian International Relations Review*, 25(85), 29-62. doi: 10.2478/cirr-2019-0005
26. Mosler, M., & Potrafke, N. (2020). International political alignment during the Trump presidency: voting at the UN general assembly. *International Interactions*, 46(3), 481-497. doi: 10.1080/03050629.2020.1719405
27. Mueller, K. P. (2018). Conventional deterrence Redux: Avoiding great power conflict in the 21st century. *Strategic Studies Quarterly*, 12(4), 76-93.
28. Nourani, N., Danesh, A., Nouri M. R., & Latifi, F. (2020). Discursive (De)legitimization of the Iran Nuclear Deal in Donald Trump's Tweets. *Strategic Analysis*, 44(4), 332-345. doi: 10.1080/09700161.2020.1809205
29. Orhan, D. D. (2023). Making Foreign Policy through Twitter: An Analysis of Trump's

Tweets on Iran. *Research anthology on social media's influence on government, politics, and social movements*. 350-352.

30. Othman, A. (2019). Trump: Current Impact & Future Consequences.
31. Rees, M. T. (2023). Ontological (in)security and the Iran nuclear deal—explaining instability in US foreign policy interests. *Foreign Policy Analysis*, 19(3), 1-21. doi: 10.1093/fpa/orad013
32. Roomi, F. (2023). Transition in Strategic Priorities of the Islamic Republic Foreign Policy: From “Neither East, Nor West” to “Look to the East”. *Political Quarterly*, 53(1), 161-135. doi: 10.22059/jpq.2023.93704
33. Steff, R., & Tidwell, A. (2020). Understanding and evaluating Trump’s foreign policy: A three frame analysis. *Australian Journal of International Affairs*, 74(4), 394-419. doi: 10.1080/10357718.2020.1721431
34. Wojczewski, T. (2020). Trump, Populism, and American Foreign Policy. *Foreign Policy Analysis*, 16(3), 292-311. doi: 10.1093/fpa/orz021

Trnaslated References to English

1. Abbasi, M., & Hamidfar, H. R. (2020). The Alliance of Saudi Arabia and Israel with the United States and its Consequences on Influence and Balance of Power of the Islamic Republic of Iran in the Middle East. *International Studies Journal*, 17(3), 7-25. doi: 10.22034/isj.2021.247668.1213 **(In Persian)**
2. Ahmadian, H. (2018). Iran and Saudi Arabia in the age of Trump. *Survival*, 60(2), 133-150. doi: 10.1080/00396338.2018.1448579
3. Albarasneh, A. S., & Khatib, D. K. (2019). The US policy of containing Iran – from Obama to Trump 2009–2018. *Global Affairs*, 5, 369-387. doi: 10.1080/23340460.2019.1701951
4. Alcaro, R. (2018). All Is Not Quiet on the Western Front. Trump's Iran Policy and Europe's Choice on the Nuclear Deal. *Istituto Affari Internazionali*, 1-26.
5. Alcaro, R. (2021). Europe’s Defence of the Iran Nuclear Deal: Less than a Success, More than a Failure. *The International Spectator*, 56(1), 55-72. doi: 10.1080/03932729.2021.1876861
6. Aliakbarpoor, R., Keshishyan Siraki, G., Dehshiri, M., & Vali Zadeh, A. (2020). The Evolution of the Concept of Power and its Impact on the Regional Policy of Iran. *Journal of Politics and International Relations*, 3(6), 212-241. doi: 10.22080/jpir.2020.2684 **(In Persian)**

7. Alishahi, A., & Forouzan, Y. (2020). Donald Trump's paradigm shift towards the Islamic Revolution of Iran and the Shiite Resistance Front in the region, Passing from soft threats to terror. *Journal of Politics and International Relations*, 4(7), 165-190. doi: 10.22080/jpir.2020.2953 (In Persian)
8. Arghavani Pirsalami, F., & Pirankho, S. (2017). Missile Technology and the I.R of Iran's Defense- Security Strategy. *Strategy*, 26(2), 51-74. **(In Persian)**
9. Azarshab, M., & Momeni, S. M. (2017). Regional Security Requirements and Iran's Security Strategy in the Middle East. *Journal of Political Strategy*, 1(2), 137-161. **(In Persian)**
10. Basiri, M. A., & Ainehvand, H. (2016). A Comparative Analysis of the Approaches of Russia, China and the United States of America Towards Iran's Nuclear Program. *Iranian Research letter of International Politics*, 5(1), 25-55. doi: 10.22067/jipr.v5i1.54431 (In Persian)
11. Bazoobandi, S., Heibach, J., & Richter, T. (2023). Iran's foreign policy making: consensus building or power struggle?, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 1-25. doi: 10.1080/13530194.2023.2189572
12. Belal, K. (2019). Uncertainty over the joint comprehensive plan of action: Iran, the European Union and the United States. *Policy Perspectives*, 16(1), 23-39. doi: 10.13169/polipers.16.1.0023
13. Bianco, C. (2020). The GCC Monarchies: Perceptions of the Iranian Threat amid Shifting Geopolitics. *The International Spectator*, 55(2), 92-107. doi: 10.1080/03932729.2020.1742505
14. Brands, H. (2017). The unexceptional superpower: American grand strategy in the age of Trump. *Survival*, 59(6), 7-40. doi: 10.1080/00396338.2017.1399722
15. Carchiyeva, N. (2023). US-Iran Relations in the XXI Century: Obama Administration's Policy towards Iran. *Uluslararası Türk Dünyası Arasturmalari Dergisi*, 6(3), 75-88.
16. Devanny, J. (2022). 'Madman Theory' or 'Persistent Engagement'? The Coherence of US Cyber Strategy under Trump. *Journal of Applied Security Research*, 17(3), 282-309. doi: 10.1080/19361610.2021.1872359
17. Djuyandi, Y., Brahmantika, S. G. S., & Tarigan, B. R. (2021). The collapse of global governance: when the US leaves the joint comprehensive plan of action (JCPOA). *Society*, 9(2), 504-521. doi: 10.33019/society.v9i2.304
18. Ebrahimi, S. (2022). Financial constraint and output pricing: the case of international sanctions against Iran. *Journal of Applied Economics*, 25(1), 1219-1238. doi: 10.1080/15140326.2022.2129145

19. Ejazi, E., Ghorbani, A., Simbar, R., & Jansiz, A. (2020). The Impact of US Mainstream Mass Media on American Foreign Policy toward Iran (2007-2020). *International Studies Journal*, 16(4), 23-45. doi: 10.22034/isj.2020.110059 **(In Persian)**
20. Entessar, N., & Afrasiabi, K. L. (2019). *Trump and Iran: From Containment to Confrontation*. New York: Lexington Books.
21. Ertem, H. S. (2019). Introduction: American Foreign Policy in an Era of Transition. *Perceptions*, 24(1), 1-6.
22. Faraji, M. (2020). Foreign Policy Strategies in the situation of Power Transition: Iran and Saudi Arabia. *Foreign Relations*, 12(3), 519-549. **(In Persian)**
23. Fathi, F. (2020). Investigating and Analyzing the Requirements of Aggressive Realism with the Comparative View of Neorealism Theory. *Journal Law Research of Ghanonyar*, 4(15), 823-852. **(In Persian)**
24. Fawcett, L., & Payne, A. (2023). Stuck on a hostile path? US policy towards Iran since the revolution. *Contemporary Politics*, 29(1), 1-21. doi: 10.1080/13569775.2022.2029239
25. Fiedler, R. (2022). The policy of maximum pressure on Iran. US policy objectives and effects. *Przeglad Strategiczny*, (15), 283-297. doi: 10.14746/ps.2022.1.17
26. Galbraith, J. (2019). Trump administration's Iran policies raise questions about the executive's authority to use force against Iran. *American Journal of International Law*, 113(4), 845-849. doi: <https://doi.org/10.1017/ajil.2019.63>
27. Hazrati Razlighi, M.A., & Sadati Nejad, S.M. (2020). The teachings of the Christian right and the foreign policy of the United States of America. *Journal of New Achievements in Humanities Studies*, 3(31), 142-159. **(In Persian)**
28. Heidari, N., & Mirghiasi, S. A. (2020). Trump's foreign policy and the security puzzle of the Islamic Republic of Iran. *Political Science Quarterly*, 16(51), 47-63. **(In Persian)**
29. Helwig, N. (2020). Out of order? The US alliance in Germany's foreign and security policy. *Contemporary Politics*, 26(4), 439-457. doi: 10.1080/13569775.2020.1777039
30. Jahanbakhsh, M. (2020). Studying the activities of the 116th Congress and its role in the US foreign policy towards Iran. *Foreign Relations*, 12(2), 285-306. **(In Persian)**
31. Jakštaite, G. (2019). The Trump Administration's Security Policy and its Significance for the Baltic States. *Lithuanian Annual Strategic Review*, 17, 35-61. doi: 10.2478/lasr-2019-0002
32. Jalali Barenji, M. R., Yousefi, B., Shahabi, R., & Ameri Golestani, H. (2023). Comparison of the US foreign policy approach to the world order during Obama's and

- Trump's presidency based on the theories of offensive and defensive realism. *Intrnational Studies Journal*, 19(4), 245-265. doi: 10.22034/isj.2023.351586.1863 **(In Persian)**
33. Jingsi Ni, A. (2020). Leadership and Power Game in a Multi-Polarizing World: The Competition between the US and China. *Open Journal of Political Science*, 10(2), 253-277. doi: 10.4236/ojps.2020.102017
34. Kabiri, Z., & Zanganah, Z. (2019). The Role of Saudi Arabia in the Withdrawal of the United States from the JCPOA Nuclear Agreement. *Research of Nations*, 4(46), 107-130. (In Persian)
35. Katzman, K. (2021). Iran's foreign and defense policies. *Congressional Research Service*, 1-55.
36. Kobylska, M. (2022). President Donald J. Trump's enemy image construction in the 2019-2020 Persian Gulf crisis. *Res Rhetorica*, 9(2), 43-61. doi: 10.29107/rr2022.2.3
37. Kroenig, M. (2018). The Return to the Pressure Track: The Trump Administration and the Iran Nuclear Deal. *Diplomacy & Statecraft*, 29(1), 94-104. doi: 10.1080/09592296.2017.1420529
38. Lahdili, N. (2018). Trump Factor: A Militarization of the US Foreign Policy. PhD Student, School of Social Sciences, AYBU, Turkey. doi: 10.13140/RG.2.2.12722.15042
39. Matera, P., & Matera, R. (2019). Why does cooperation work or fail? The case of EU-US sanction policy against Iran. *Croatian International Relations Review*, 25(85), 29-62. doi: 10.2478/cirr-2019-0005
40. Mohammadzadeh Ebrahimi, F., & Maleki, M. (2016). Obama's Foreign Policy Doctrine and the Zionist Regime. *Foreign Relations*, 8(3), 115-144. **(In Persian)**
41. Mosler, M., & Potrafke, N. (2020). International political alignment during the Trump presidency: voting at the UN general assembly. *International Interactions*, 46(3), 481-497. doi: 10.1080/03050629.2020.1719405
42. Mueller, K. P. (2018). Conventional deterrence Redux: Avoiding great power conflict in the 21st century. *Strategic Studies Quarterly*, 12(4), 76-93.
43. Noori, V., & Hosseini, S. H. (2019). Egoism in the US Foreign Policy over Trump's Tenure, The Results and the Implications. *Studies of International Relations Journal*, 12(46), 179-216. (In Persian)
44. Nourani, N., Danesh, A., Nouri M. R., & Latifi, F. (2020). Discursive (De)legitimization of the Iran Nuclear Deal in Donald Trump's Tweets. *Strategic Analysis*, 44(4), 332-345. doi: 10.1080/09700161.2020.1809205
45. Orhan, D. D. (2023). Making Foreign Policy through Twitter: An Analysis of Trump's

Tweets on Iran. *Research anthology on social media's influence on government, politics, and social movements*. 350-352.

46. Othman, A. (2019). Trump: Current Impact & Future Consequences.
47. Rees, M. T. (2023). Ontological (in)security and the Iran nuclear deal—explaining instability in US foreign policy interests. *Foreign Policy Analysis*, 19(3), 1-21. doi: 10.1093/fpa/orad013
48. Roomi, F. (2023). Transition in Strategic Priorities of the Islamic Republic Foreign Policy: From “Neither East, Nor West” to “Look to the East”. *Political Quarterly*, 53(1), 161-135. doi: 10.22059/jpq.2023.93704
49. Steff, R., & Tidwell, A. (2020). Understanding and evaluating Trump’s foreign policy: A three frame analysis. *Australian Journal of International Affairs*, 74(4), 394-419. doi: 10.1080/10357718.2020.1721431
50. Vaez, H., Khodaverdi, H., Keshidhyan Siraki, G., & Dehsiri, M. (2023). Normalization of Saudi-Israeli relations and its impact on the Islamic Republic of Iran’s national security: threats against the axis of resistance. *International Studies Journal*, 19(4), 287-314. doi: 10.22034/isj.2023.347291.1853 **(In Persian)**
51. Wojczewski, T. (2020). Trump, Populism, and American Foreign Policy. *Foreign Policy Analysis*, 16(3), 292-311. doi: 10.1093/fpa/orz021
52. Yari, E. (2019). Geopolitical Requirements and Strategic Requirements of the Islamic Republic of Iran's Missile Program in the Anarchic Environment of the International System. *Scientific Journal of Security Horizons*, 12(42), 38-61. **(In Persian)**